

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۷	فصل اول: ماهیت، مفهوم و فلسفه عدالت فضایی
۷	۱-۱ فضا
۸	۱-۱-۱ رویکرد فلسفی به مکان و فضای جغرافیایی
۱۵	۲-۱ عدالت (رویکرد دینی و فلسفی)
۲۳	۱-۲-۱ عدالت در دیدگاه اندیشمندان اسلامی
۳۲	۲-۲-۱ عدالت در مطالعات غربی
۳۹	۳-۱ عدالت فضایی
۴۱	۱-۳-۱ پیشینه مفهوم عدالت فضایی
۵۰	۲-۳-۱ فلسفه عدالت فضایی
۵۶	فصل دوم: جغرافیای سیاسی و عدالت فضایی
۵۶	۱-۲ فلسفه توجه به عدالت فضایی در جغرافیای سیاسی
۶۰	۲-۲ بی‌عدالتی و نابرابری فضایی
۶۵	۱-۲-۲ بازتاب‌های بی‌عدالتی فضایی
۷۲	۳-۲ بی‌عدالتی فضایی و تولید مخاطرات انسانی
۷۶	فصل سوم: برنامه‌ریزی فضایی و عدالت فضایی
۷۶	۱-۳ برنامه‌ریزی فضایی
۷۷	۲-۳ آمایش سرزمین
۸۰	۳-۳ ساماندهی سیاسی فضا
۸۲	۴-۳ مدیریت سیاسی بهینه فضا
۸۹	۵-۳ آمایش سرزمین و عدالت فضایی
۹۳	۶-۳ توسعه و عدالت فضایی
۹۶	۱-۶-۳ توسعه اجتماعی

صفحه	عنوان
۹۷	۲-۶-۳ توسعه اقتصادی
۹۸	۳-۶-۳ توسعه سیاسی
۱۰۰	۴-۶-۳ توسعه فرهنگی
۱۰۰	۵-۶-۳ عمران و توسعه فضا
۱۰۴	۷-۳ معیارهای عدالت فضایی
۱۰۵	۸-۳ ابعاد و شاخص‌های مؤثر در سنجش عدالت فضایی
۱۰۶	۹-۳ شاخص‌ها و ابعاد مورد توجه مراکز رسمی برنامه‌ریزی
۱۱۰	۱۰-۳ مدل‌های تحلیل تصمیم و سنجش عدالت فضایی
۱۱۲	۱-۱۰-۳ مدل تاکسونومی عددی
۱۱۳	۲-۱۰-۳ مدل تحلیل عاملی
۱۱۵	۳-۱۰-۳ تحلیل خوشه‌ای
۱۱۶	۱۱-۳ مدل‌های تحلیل تصمیم
۱۱۸	۱-۱۱-۳ انواع مدل‌ها در تصمیم‌گیری چندشاخصه
۱۲۴	۱۲-۳ مدل‌های سنجش نابرابری
۱۲۵	۱-۱۲-۳ مدل‌های عینی
۱۳۰	۲-۱۲-۳ مدل‌های قیاسی
۱۳۱	۳-۱۲-۳ مدل نابرابری زنگا
۱۳۳	فصل چهارم: روش‌ها و تکنیک‌های دستیابی به تعادل فضایی
۱۳۳	۱-۴ رویکردهای نظری و تجربی نابرابری‌های منطقه‌ای
۱۳۳	۱-۱-۴ رویکرد تعادل فضایی (هم‌گرایی منطقه‌ای)
۱۳۵	۲-۱-۴ رویکرد عدم تعادل فضایی (واگرایی منطقه‌ای)
۱۳۸	۳-۱-۴ رویکرد بینابینی
۱۴۰	۲-۴ نظریه‌های توسعه منطقه‌ای و نقد از منظر عدالت فضایی
۱۴۱	۱-۲-۴ رشد متوازن
۱۴۲	۲-۲-۴ رشد نامتوازن
۱۴۶	۳-۲-۴ توسعه پایدار
۱۴۷	۴-۲-۴ نظریه واگرایی-هم‌گرایی رشد منطقه‌ای
۱۴۹	۳-۴ رفع نابرابری‌های منطقه‌ای، گام اول سیاست‌های عدالت‌خواهانه
۱۵۲	فصل پنجم: تجربه‌های آمایش سرزمین و تعادل فضایی در جهان
۱۵۲	۱-۵ تجربه چین
۱۵۵	۱-۱-۵ رشد اقتصادی سریع چین

صفحه	عنوان
۱۶۰	۲-۵ تجربه کره جنوبی
۱۶۱	۱-۲-۵ فقرزدایی حاصل از توسعه کره جنوبی
۱۶۲	۲-۲-۵ نظام برنامه‌ریزی کره جنوبی
۱۶۵	۳-۵ تجربه هند
۱۶۷	۱-۳-۵ توسعه اقتصادی - سیاسی در هند
۱۶۸	۲-۳-۵ نابرابری در هند
۱۷۳	۴-۵ تجربه ترکیه
۱۷۶	۱-۴-۵ برنامه‌ریزی و سازماندهی منطقه‌ای در ترکیه
۱۷۹	۵-۵ تجربه آلمان
۱۸۰	۱-۵-۵ نابرابری فضایی در آلمان و مواجهه با آن
۱۸۳	۶-۵ تجربه سوئیس
۱۸۴	۱-۶-۵ چالش‌های توسعه فضایی سوئیس
۱۸۵	۲-۶-۵ نظام برنامه‌ریزی فضایی در سوئیس
۱۸۹	۷-۵ تجربه اتریش
۱۸۹	۱-۷-۵ چالش‌های توسعه فضایی اتریش
۱۹۱	۲-۷-۵ نظام برنامه‌ریزی فضایی در اتریش
۱۹۶	۸-۵ تجربه سوئد
۱۹۷	۱-۸-۵ چالش‌های تعادل فضایی در سوئد
۱۹۷	۲-۸-۵ نظام برنامه‌ریزی فضایی در سوئد
۱۹۹	۹-۵ تجربه کانادا
۲۰۰	۱-۹-۵ چالش‌های تعادل فضایی در کانادا
۲۰۱	۲-۹-۵ نظام برنامه‌ریزی فضایی در کانادا
۲۰۴	فصل ششم: جایگاه عدالت فضایی در اسناد بالادستی در ایران
۲۰۶	۱-۶ گزاره‌های ناظر بر توجه به مقوله عدالت و تعادل فضایی در اسناد بالادستی
۲۱۲	۲-۶ سابقه برنامه‌ریزی در ایران (برنامه‌های اجرا شده)
۲۱۵	۱-۲-۶ برنامه‌ریزی در ایران قبل از انقلاب اسلامی
۲۱۸	۲-۲-۶ برنامه‌ریزی در ایران بعد از انقلاب اسلامی
۲۲۱	۳-۶ نقدی بر نظام برنامه‌ریزی کشور از منظر عدالت فضایی
۲۲۵	۴-۶ عوامل ناکامی برنامه‌ریزی در ایران: تأثیر محیط بر برنامه‌ریزی
۲۲۶	۱-۴-۶ تفسیر رفتار دولت در دیدگاه‌های عوامل شکست برنامه‌ریزی در ایران
۲۲۸	۵-۶ نقاط ضعف سیاست‌های توسعه در ایران از منظر عدالت فضایی
۲۲۸	۱-۵-۶ آسیب‌های نظری
۲۲۹	۲-۵-۶ آسیب‌های عملی

هفت

صفحه	عنوان
۲۳۳	فصل هفتم: وضعیت عدالت فضایی در ایران
۲۳۴	۱-۷ تبیین وضعیت عدالت فضایی کشور بر پایه داده‌های نرم‌افزار سنجش عدالت فضایی
۲۳۴	۱-۱-۷ وضعیت کشور براساس عدالت فضایی
۲۳۷	۲-۷ بنیادهای بی‌عدالتی فضایی در ایران
۲۳۷	۱-۲-۷ توزیع نابرابر بنیادهای زیستی (خصوصیات ذاتی مناطق)
۲۴۲	۲-۲-۷ توزیع نابرابر منابع غیرطبیعی
۲۴۹	۳-۲-۷ نظام سیاسی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه ملی (خصوصیات اکتسابی)
۲۵۴	۳-۷ محیط ژئوپلیتیک پیرامونی و جهانی
۲۵۹	۴-۷ بی‌عدالتی فضایی در ایران
۲۶۱	۱-۴-۷ بنیان‌های بی‌عدالتی فضایی در ایران
۲۶۳	فصل هشتم: دستیابی به عدالت فضایی در ایران
۲۶۳	۱-۸ بازتعریف عدالت فضایی مبتنی بر آموزه‌های بومی
۲۶۵	۲-۸ ایده سازمان فضایی عادلانه ایران
۲۶۷	۳-۸ راهکارهای دستیابی به عدالت فضایی در ایران
۲۷۶	منابع
۲۹۶	تصاویر رنگی

مقدمه

فضای جغرافیایی محصول نهایی کنش مجموعه عوامل و عناصری است که کیفیت، محتوا و کارکردهای آن را معنا می‌بخشند. در این رویکرد، فضا خروجی یک سیستم و متأثر از سازوکارها، نیروها و گرایش‌هایی است که در یک چرخه توالی و تکرار به رخنمون پدیده‌های فضایی طی زمان و بر بستر مکان منجر می‌شود. فضای یادشده را می‌توان در رویکردهای مختلفی مورد توجه قرار داد؛ یکی از مهم‌ترین رویکردها عدالت فضایی است. عدالت مفهومی است که فیلسوفان از دیرباز در نظریاتشان به آن پرداخته‌اند، اما این موضوع همچنان دغدغه و آرمان انسان معاصر است. ادراک عدالت و بی‌عدالتی فضایی متضمن درک دینامیسم سیاسی- فضایی و پویایی‌های ضروری آن است.

بُعد سیاسی فضا به عنوان کانونی‌ترین وجه آن فلسفه جغرافیای سیاسی است. از آنجا که عدالت و بی‌عدالتی متأثر از سیستم‌های سیاسی- اجتماعی- اقتصادی جوامع است، مطرح شدن عدالت فضایی در مطالعات جغرافیای سیاسی نیز فلسفه وجودی می‌یابد. درباره مفاهیمی چون عدالت، عدالت فضایی و آمایش سرزمین تلاش‌های زیادی در جوامع آکادمیک داخلی و خارجی به صورت مجزا انجام شده است، لیکن پرداختن به موضوع ترکیبی عدالت فضایی و اثرپذیری آن از آمایش سرزمین چندان مورد توجه واقع نشده است. نقیصه فوق و همچنین نیاز به تولید محتوای آموزشی لازم برای دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد رشته‌های جغرافیای سیاسی و آمایش سرزمین در درس‌هایی چون اصول کشورداری و ابعاد سیاسی- امنیتی آمایش سرزمین، که دربرگیرنده قسمت قابل توجهی از سرفصل‌های مصوب است، نویسندگان را به نوشتن کتاب حاضر ترغیب کرد. کتاب *عدالت فضایی- جغرافیایی و آمایش سرزمین (ابعاد نظری و کاربردی)* در هشت فصل تدوین شده است.

در فصل اول، رویکرد فلسفی به مکان و فضای جغرافیایی به عنوان یک بحث بنیادی در مطالعات علوم جغرافیایی مورد مذاقه است. از آنجا که ادراک عدالت فضایی بدون توجه به بُعد نظری عدالت، به عنوان آرزویی بشری، به درستی حاصل نمی‌شود، عدالت در رویکرد دینی و فلسفی مورد توجه قرار گرفته است. عدالت در دیدگاه اندیشمندان اسلامی در دو مبحث دیدگاه متقدمین - مشتمل بر نظریات فارابی، خواجه نصیرالدین طوسی و ابن خلدون -

و دیدگاه متأخرین - مشتمل بر نظریات علامه طباطبایی و شهید مطهری - مورد توجه واقع شده است. در ادامه این فصل، عدالت در مطالعات غربی در قالب چهار رویکرد فردگرایی و لیبرالیستی به عدالت، اجتماع گرایی و سوسیالیستی به عدالت، توسعه انسانی و عدالت و مارکسیستی مورد بحث قرار گرفته است. در نهایت، عدالت فضایی به عنوان نقطه تلاقی فضا و عدالت در چهارچوب فضایی پیشینه مفهوم و فلسفه، مورد توجه نویسندگان واقع شده است که به جنبه‌های فضایی یا جغرافیایی عدالت اشاره دارد و در بردارنده توزیع عادلانه و منصفانه منابع و فرصت‌های باارزش در فضای جغرافیایی به عنوان زیستگاه جامعه است که هم خروجی و هم فرایند در نظر گرفته می‌شود. ادراک عدالت و بی‌عدالتی فضایی - جغرافیایی متضمن درک پویایی سیاسی - فضایی است. فضای جغرافیایی به مثابه محصول کنش‌های انسانی در مکان‌های جغرافیایی تحت تاثیر اندیشه‌های متفاوت بازیگران آن به شکل‌های گوناگونی ظاهر می‌شود.

با توجه به محوریت مطالعات مرتبط با کشور در جغرافیای سیاسی، فصل دوم، یعنی جغرافیای سیاسی و عدالت فضایی، مشتمل بر مباحثی است، از جمله فلسفه توجه به عدالت فضایی در جغرافیای سیاسی، بی‌عدالتی و نابرابری فضایی، بازتاب‌های بی‌عدالتی فضایی، بی‌عدالتی فضایی و تولید مخاطرات انسانی.

برنامه‌ریزی فضایی مجموعه‌ای از سیاست‌ها و ابزارهای مداخله در سطوح گوناگون (خرد/کلان) و برای افق‌های زمانی (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت) است که برای یاری رساندن به مدیریت تغییرات راهبردی درون قلمروها، اقتصاد و جامعه آن‌ها صورت می‌پذیرد، و تا حد زیادی (اما نه منحصرأ) توسط بخش عمومی جهت‌دهی می‌شود. این برنامه‌ریزی به‌ظاهر تمرینی است که برای منافع عامه و در جهت حمایت از جامعه در مقابل قصور و ناتوانی‌های ناشی از توسعه ناهمگون و ناپایدار صورت می‌پذیرد. در فصل سوم، به موضوعات زیر خواهیم پرداخت: برنامه‌ریزی فضایی آمایش سرزمین، ساماندهی سیاسی فضا، مدیریت سیاسی بهینه فضا، آمایش سرزمین و عدالت فضایی، توسعه و عدالت فضایی، معیارهای عدالت فضایی، ابعاد و شاخص‌های مؤثر در سنجش عدالت فضایی، شاخص‌ها و ابعاد مورد توجه مراکز رسمی برنامه‌ریزی، مدل‌های تحلیل تصمیم و سنجش عدالت فضایی و مدل‌های سنجش نابرابری با توجه به ضرورت‌های کاربردی.

در فصل چهارم، به روش‌ها و تکنیک‌های دستیابی به عدالت فضایی پرداخته خواهد شد، در حوزه نابرابری منطقه‌ای و روند افزایشی یا کاهش‌ی آن سه رویکرد عمده در طول زمان

قابل شناسایی است. نخست، رویکرد تعادل فضایی (هم‌گرایی^۱ منطقه‌ای) است که متأثر از نظریهٔ نئو کلاسیک است؛ دوم، رویکرد عدم تعادل فضایی (واگرایی^۲ منطقه‌ای) است که بر پایهٔ نظریهٔ اقتصاد جغرافیایی نوین شکل گرفته است. هر دو رویکرد به پیش‌بینی فرایند نابرابری منطقه‌ای در طول زمان و همگام با رشد اقتصاد منطقه می‌پردازند. در کنار دو رویکرد یادشده، رویکرد سومی نیز مطرح است: رویکرد بینابینی. علاوه بر موارد یادشده، در چهارچوب این فصل، نظریه‌های توسعهٔ منطقه‌ای و نقد از منظر عدالت فضایی و رفع نابرابری‌های منطقه‌ای به عنوان گام اول سیاست‌های عدالت‌خواهانه نیز مورد توجه نویسندگان قرار گرفته است.

نابرابری فضایی باعث توجهات علمی جدید و نگرانی‌های اجتماعی در اقصی نقاط جهان شده است. مفهوم نوین توسعه پیامدهای مهمی برای نظریه‌ها و توسعهٔ منطقه‌ای دارد که لازم است مصادیق و ابعاد اجرایی آن در قالب رویکردهای توسعه‌ای مد نظر قرار گیرد. اگرچه هیچ کشوری در دنیا نمی‌تواند مدعی برقراری عدالت فضایی باشد، پرداختن به تجربه‌های کشورهای مختلف در خصوص رفع نابرابری‌های منطقه‌ای زمینهٔ فهم تنگناها، و نیز یافتن راهکارهای متناسب با شرایط بومی و محلی ایران را فراهم می‌کند. در فصل پنجم، به تجربه‌های کشورهای چین، هند، کرهٔ جنوبی، ترکیه، آلمان، سوئیس، اتریش، سوئد و کانادا در زمینهٔ آمایش سرزمین و تعادل فضایی خواهیم پرداخت.

اسناد بالادستی مسیر و چگونگی دستیابی به توسعه را در نظام‌های مختلف سیاسی متأثر از سازوکارهای اثرگذاری چون ایدئولوژی نظام سیاسی، محیط ژئوپلیتیک و موقعیت و وضعیت جغرافیای طبیعی و انسانی روشن می‌کند. این‌گونه سندها چشم‌انداز فضا را برای مدیران ارشد مشخص کرده است و آنان را در برابر پذیرش خدمت‌رسانی بهینه به مردم متعهد می‌سازد. با تحقق اهداف مندرج در این سندها، شهروندان و فضای جغرافیا از وضعیت مطلوبی در شاخصه‌های اثرگذاری چون عمران و آبادانی و رفاه برخوردار می‌شوند. از آنجا که مطالعات نظری و کاربردی بدون توجه به شرایط سیاسی و فضایی ایران یکی از نقیصه‌های منابع مورد مطالعه بود، جایگاه عدالت فضایی در اسناد بالادستی در ایران در قالب فصل ششم تبیین شده است. در چهارچوب این فصل به موضوعات زیر توجه شده است: جایگاه عدالت فضایی در اسناد بالادستی؛ گزاره‌های ناظر بر توجه به مقولهٔ عدالت و تعادل فضایی در اسناد

1. convergence

2. divergence

بالادستی؛ سابقه برنامه‌ریزی در ایران (برنامه‌های اجرا شده)؛ برنامه‌ریزی در ایران قبل از انقلاب اسلامی؛ برنامه‌ریزی در ایران بعد از انقلاب اسلامی؛ نقدی بر نظام برنامه‌ریزی کشور از منظر عدالت فضایی؛ عوامل ناکامی برنامه‌ریزی در ایران، از جمله تأثیر محیط بر برنامه‌ریزی، نقاط ضعف سیاست‌های توسعه در ایران از منظر عدالت فضایی و تفسیر رفتار دولت در دیدگاه‌های عوامل شکست برنامه‌ریزی در ایران.

به دلیل نبود فرهنگ برنامه‌ریزی در کاربری فضا یا آمایش سرزمین در سطوح منطقه‌ای و ناحیه‌ای از یک سو و وجود ساختار سیاسی و اداری متمرکز در نظام حکومت، فقدان حاکمیت تفکر اداره بهینه سیاسی فضا و غلبه سیاست‌های اقتصادی مشوق افزایش جمعیت در دهه‌های گذشته از سوی دیگر، فرایند توسعه در سطح فضای کشور متعادل نبوده است. این امر، علاوه بر توسعه قطب‌های بزرگ شهری و مناطق توسعه یافته، باعث به وجود آمدن فضاهای محروم، حاشیه‌ای و عقب مانده شده است؛ به طوری که برخی فضاهای جغرافیایی - نظیر حوزه مرکزی به ویژه تهران، اصفهان، یزد و سمنان - از امکانات توسعه برخوردارند، در حالی که بخش‌های دیگری در جنوب شرقی، مرکز، شرق، غرب و جنوب ایران دچار عقب ماندگی شده و از فرصت‌های ملی محروم مانده‌اند؛ مسئله‌ای که مبین حاکمیت الگوی مرکز - پیرامون بر ساختار فضا در کشور است. بی‌عدالتی جغرافیایی در ایران سابقه‌ای دیرینه دارد و تلاش‌های روبنایی به عمل آمده برای کاهش آن نیز تاکنون نتیجه چندانی نداشته است. توجه به این مسئله که ریشه نابرابری‌های فضایی و بی‌عدالتی فضایی در کشورها در چه عناصر و عواملی نهفته است، حائز اهمیت می‌باشد. در فصل هفتم، به موضوعات زیر پرداخته‌ایم: بنیادهای بی‌عدالتی فضایی در ایران، از جمله توزیع نابرابر بنیادهای زیستی (خصوصیات ذاتی مناطق)، توزیع نابرابر منابع غیرطبیعی؛ نظام سیاسی؛ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی توسعه ملی (خصوصیات اکتسابی)؛ تمرکزگرایی در ایران و بی‌عدالتی فضایی؛ برنامه‌های توسعه و بی‌عدالتی فضایی؛ محیط ژئوپلیتیک پیرامونی و جهانی و بی‌عدالتی فضایی در ایران.

عدالت فضایی ضمن دربرداشتن خصایص توزیعی، رویه‌ای و تعاملی در ضرورت‌های اولیه، خصلت بنیادی در شناسایی ظرفیت‌ها و در نهایت خصلتی کاربردی در ارتقای ظرفیت‌ها و تبدیل آن‌ها به مزیت (نسبی و رقابتی) را هم دارد. در چنین وجهی، عدالت فضایی رویکردی توصیفی-کاربردی می‌یابد که ضمن شناخت و تبیین وضع موجود راهکارهای حرکت به سمت هدف مطلوب را نیز ارائه می‌کند. در هر تعریف از عدالت فضایی، باید به الزامات (توزیعی، بنیادی و کاربردی) توجه کرد. شایان توجه است که ضرورت‌های فوق باید در مقیاس‌های

چهارگانه (کالبدی، محلی، منطقه‌ای و ملی) مورد توجه قرار گیرد. در فصل هشتم، به نظریه پایه دستیابی به عدالت فضایی در ایران پرداخته‌ایم، با تأکید بر مواردی چون بازتعریف عدالت فضایی مبتنی بر آموزه‌های بومی، ایده سازمان فضایی عادلانه ایران و راهکارهای دستیابی به عدالت فضایی در ایران.

بر خود لازم می‌دانیم از سمت (به عنوان متولی تألیف کتب درسی)، مدیران پژوهشی و کارشناسان برای فراهم کردن بستر مناسب تدوین اثر، و داوران گران قدری که با نکته‌سنجی و دقت نظر موجب غنای مباحث شدند، تشکر و قدردانی کنیم. نمی‌توان از سخاوت کسانی که مستقیم و غیرمستقیم در تدوین این کتاب از آثارشان در قالب کتاب‌ها، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری بهره برده‌ایم به راحتی گذشت؛ به همین دلیل مراتب امتنان و سپاس‌گزاری را از تمامی نویسندگان و اندیشمندان ابراز می‌داریم. در پایان، یادآوری می‌کنیم که هرگونه نقص و ایراد متوجه نویسندگان کتاب خواهد بود و از خوانندگان دقیق و نکته‌سنج درخواست داریم با نظرهایشان مؤلفان را از نقد سازنده خود بهره‌مند سازند.

محمدرضا حافظ‌نیا

مصطفی قادری حاجت

پاییز ۱۴۰۲